

Recognition of Effective Factors on the Relationship between Accruals and Operating Cash Flows

Gholamreza Kordestani¹,Vahid Mohammadi²

Received: 2018/12/09

Accepted: 2019/04/10

Abstract

Simultaneously with the prevalence of using the accrual basis for recording financial events in business entities, the use of operating cash or accounting earnings for the assessment of economic performance of business entities and the making optimal economic decisions has become one of the major challenges for investors and users of financial statements of business entities. Nevertheless, it should be noted that the output information from the accounting system is complementary and should be used simultaneously. In other words, if investors regardless of the proportion between the cash and accrual components of earnings, focus solely on accounting earnings or reported cash flows, the stock exchange price goes away from its inherent value. In this paper, with a glance at theory, the relationship between accruals and operating cash flows as an indicator in various evaluations is discussed. Finally, the potential time and economic factors that can change the relationship between accruals and cash flows are reviewed. It can be said that among the components, four factors included cash flow shock, Non-timing related accruals, poor match between revenues and expenses and amount of intangible assets affect the relationship between accruals and operating cash flows.

Keywords: Accounting Earning, Intangible Assets, Non-Timing-Related Accruals, Operating Cash Flows, Stock Price.

Jel classification: M41, D53

DOI: 10.22051/ijar.2019.23268.1463

¹ Associate Professor of Accounting, Imam Khomeini International University, Ghazvin, Iran. (kordestani@soc.ikiu.ac.ir)

² MSc student of Accounting, Imam Khomeini International University, Ghazvin, Iran Corresponding Author, (mohammadi.v372@gmail.com)

شناسایی عوامل موثر بر ارتباط بین اقلام تعهدی و

جریان‌های نقدی عملیاتی

غلامرضا کردستانی^۱، وحید محمدی^۲

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۹/۱۸

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۱/۲۱

چکیده

همزمان با رواج استفاده از مبنای تعهدی در ثبت رویدادهای مالی واحدهای تجاری، استفاده از وجه نقد عملیاتی و یا سود حسابداری برای ارزیابی عملکرد اقتصادی واحدهای تجاری و اتخاذ تصمیمات اقتصادی بهینه، به یکی از چالش‌های مهم برای سرمایه‌گذاران و استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی واحدهای تجاری تبدیل شده است. با این وجود، باید به این نکته توجه کرد که اطلاعات خروجی از سیستم حسابداری مکمل یکدیگر بوده و باید توأمان استفاده شوند. به عبارت دیگر، اگر سرمایه‌گذاران بدون توجه به تناسب بین دو جزء نقدی و تعهدی سود، صرفاً بر سود حسابداری و یا جریان نقدی گزارش شده متمرکز شوند، قیمت مبادله سهام از ارزش ذاتی آن فاصله بیشتری می‌گیرد. در این مقاله با نگاهی گذرا به تئوری، ابتدا رابطه بین اقلام تعهدی و جریان‌های نقدی عملیاتی عنوان یک شاخص در ارزیابی‌های مختلف، بحث می‌شود. در نهایت، عوامل بالقوه زمانی و اقتصادی که می‌توانند رابطه بین اقلام تعهدی و جریان‌های نقدی عملیاتی را دستخوش تغییر قرار دهند، بررسی می‌شود. می‌توان گفت از بین اجزای عوامل مذکور، چهار عامل شوک‌های جریان نقد، اقلام تعهدی غیرمرتبط با زمان، تطابق ضعیف بین درآمدها و هزینه‌ها و حجم دارایی‌های نامشهود، بر رابطه بین اقلام تعهدی و جریان‌های نقدی عملیاتی تأثیر دارند.

واژه‌های کلیدی: سود حسابداری، جریان نقد عملیاتی، دارایی نامشهود، اقلام تعهدی غیرمرتبط با زمان،

قیمت سهام.

طبقه‌بندی موضوعی: M41, D53

DOI: 10.22051/ijar.2019.23268.1463

^۱ دانشیار گروه حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران. (kordestani@soc.ikiu.ac.ir)

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران، نویسنده مسئول. (mohammadi.v372@gmail.com)

مقدمه

تمرکز در مبنای نقدی حسابداری، شناسایی آن دسته از رویدادهای مالی است که منجر به جریانهای نقدی ورودی (به) یا خروجی (از) واحد تجاری شود. به عبارت دیگر یک رویداد مالی زمانی به عنوان درآمد یا هزینه شناسایی می‌شود که جریان نقد ورودی یا خروجی به همراه داشته باشد.

به استثنای اطلاعات مربوط به جریانهای نقدی، واحد تجاری باید صورت‌های مالی خود را بر مبنای تعهدی تهیه کند. بر اساس مفاهیم نظری گزارشگری مالی، چنانچه شواهد کافی در رابطه با وقوع افزایش در خالص دارایی‌ها قبل از پایان دوره مورد گزارش وجود داشته باشد، درآمد شناسایی می‌شود. همچنین در صورت وجود شواهد کافی مبنی بر وقوع کاهش در حقوق صاحبان سهام قبل از پایان دوره، هزینه شناسایی می‌شود. یعنی معاملات و سایر رویدادها در زمان وقوع (نه در زمان دریافت یا پرداخت وجه نقد) شناسایی و در صورت‌های مالی منعکس می‌شود (ثقفی و صراف، ۱۳۹۲). همین امر، منجر به شناسایی حجم وسیعی از درآمدها و هزینه‌ها می‌شود. این درآمدها و هزینه‌ها حتی ممکن است در دوره‌ای که شناسایی می‌شوند، همراه با جریان نقد نباشند.

بنابراین در مبنای تعهدی، سود حسابداری به عنوان یکی از مهم‌ترین خروجی‌های سیستم حسابداری شامل اجزای نقدی و تعهدی است. همچنان که بوشمن، لرمین و ژانگ (۲۰۱۶) بیان می‌کنند می‌کنند، هدف اصلی استفاده از اقلام تعهدی، یکنواخت کردن تغییرات موقت زمانی در جریان نقد عملیاتی است. این مساله بیانگر همبستگی منفی بین اقلام تعهدی و جریانهای نقدی عملیاتی است. در یک تقسیم‌بندی می‌توان جزء تعهدی سود را به دو بخش اقلام تعهدی مرتبط با زمان^۱ و اقلام تعهدی غیرمرتبط با زمان^۲، تقسیم‌بندی کرد. ریشه اصلی اقلام تعهدی مرتبط با زمان، در تغییرات موقتی جریانهای نقدی است، درحالی که اقلام تعهدی غیرمرتبط با زمان، ریشه در محافظه کاری، حسابداری ارزش منصفانه، خطای برآورد اقلام تعهدی و سایر رویدادهایی دارد که مستقیماً با جریانهای نقدی دوره متناظر و یا حتی دوره‌های نزدیک مرتبط نیستند. بنابراین، مدیران واحدهای تجاری می‌توانند با استفاده از اقلام تعهدی غیرمرتبط با زمان،

عملکرد مطلوب خود را در صورت سود و زیان ارائه نمایند. از سوی دیگر، سود حسابداری نقش قابل توجهی در قیمت گذاری سهام شرکت‌ها دارد.

این چالش همواره مطرح بوده است که کدام یک از معیارهای جریان نقدی یا سود برای ارزیابی عملکرد شرکت مناسب است. از یک سو هیأت استانداردهای حسابداری مالی معتقد است که ارقام تعهدی برای ارزیابی سهام، سودمند هستند. از سوی دیگر، برخی از تحلیل‌گران مالی قابلیت اتکا و مربوط بودن سود را به دلیل اجزای تعهدی آن، مورد پرسش قرار می‌دهند. با توجه به مطالب فوق می‌توان انتظار داشت که در نظر گرفتن رابطه بین ارقام تعهدی و جریان‌های نقدی عملیاتی در طول زمان و عوامل موثر بر آن، ضروری است، اما سوالی که همچنان بی‌پاسخ مانده است، در زمینه عواملی است که می‌تواند این رابطه را دستخوش تغییر قرار دهد. بر این اساس، در این پژوهش به تشریح عوامل زمانی و اقتصادی بالقوه مؤثر بر رابطه بین ارقام تعهدی و جریان‌های نقدی عملیاتی پرداخته شده است.

اجزای سود و ارتباط بین اجزای سود

تهیه صورت‌های مالی طبق مبنای تعهدی، ارقامی را تحت عنوان ارقام تعهدی به بخش نقدی سود، اضافه می‌کند. با این اوصاف، سود حسابداری به دو بخش تعهدی و نقدی قابل تفکیک است. ارقام تعهدی بخشی از درآمدها و هزینه‌های ارائه شده در صورت سود و زیان را تشکیل می‌دهد که در صورت جریان وجه نقد نشان داده نمی‌شود. به عبارت دیگر ارقام تعهدی تفاوت بین سود حسابداری و جریان نقد عملیاتی است. بخش تعهدی سود نیز شامل دو گروه ارقام تعهدی اختیاری^۳ و ارقام تعهدی غیراختیاری^۴ است. ارقام تعهدی غیراختیاری ریشه در فعالیت‌های تجاری شرکت دارد و مدیریت هیچ‌گونه دخل و تصرفی در آنها ندارد. به عبارت دیگر ارقام تعهدی در فرآیند عادی عملیات تجاری رخ می‌دهند، اما ارقام تعهدی اختیاری به دلیل انتخاب روش‌های حسابداری، تخصیص‌های اختیاری، تصمیمات مدیریت، قضاوت‌ها و برآوردها بوجود می‌آیند.

پشتوانه شناسایی ارقام تعهدی غیراختیاری، استانداردهای حسابداری یا قوانین و مقررات است. همین امر موجب شده است که ارقام تعهدی غیراختیاری از اعمال نظر مدیریت در امان باشند،

اما اقلام تعهدی اختیاری قابل اعمال نظر توسط مدیران هستند. به عبارت دیگر، مدیران با توجه به شرایط شرکت از این اقلام در راستای مدیریت سود^۵ و یا هموارسازی سود^۶ استفاده می کنند. همان طور که اشاره شد جزء دیگر سود، بخش نقدی است. با وجود آنکه وجه نقد شناسایی شده مشکلات «زمان بندی» و «تطابق» را دارد و می تواند به اندازه گیری غیر صحیح عملکرد شرکت منجر شود، اما برخی از تحلیلگران و سرمایه گذاران اعتقاد دارند که وجه نقد معیاری عینی تر برای ارزیابی عملکرد اقتصادی واحد تجاری است و کمتر مورد دستکاری مدیریت قرار می گیرد. این گروه استدلال می کنند که سود حسابداری به دلیل وجود اقلام تعهدی اختیاری و توانایی مدیریت در دستکاری آن، نمی تواند شاخص مناسبی برای ارزیابی عملکرد شرکت باشد. همین عامل باعث شکل گیری تحقیقاتی در زمینه بررسی محتوای اطلاعاتی سود حسابداری و جریان نقد عملیاتی شده است. در حالی که نتایج برخی تحقیقات همچون باون و دلی (۱۹۸۷) و کردستانی و رودنشین (۱۳۸۷) حاکی از آن است که اطلاعات مربوط به جریان های نقدی دارای محتوای فزاینده اطلاعاتی نسبت به سود است، برنارد و استابر (۱۹۸۹) و پورفخریان و همکاران (۱۳۹۷) در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که قدرت توضیح دهندگی سود در پیش بینی وجه نقد آتی، با تقسیم سود به اجزای آن افزایش می یابد، اما شواهد چندانی در ارتباط با تأیید محتوای فزاینده اطلاعاتی جریان نقدی و سود نسبت به یکدیگر نیافتند.

عاشق علی (۱۹۹۴) به بررسی محتوای فزاینده اطلاعاتی سود، سرمایه در گردش حاصل از عملیات و جریان های نقدی پرداخت. او در این پژوهش محتوای فزاینده اطلاعاتی سود بر سرمایه در گردش حاصل از عملیات و جریان های نقدی را تأیید کرد. همچنین در این پژوهش محتوای فزاینده اطلاعاتی سرمایه در گردش حاصل از عملیات بر سود و جریان های نقدی نیز تأیید شد، اما در مورد محتوای فزاینده اطلاعاتی وجه نقد حاصل از عملیات بر سایر عوامل، دو حالت مشاهده شد: (۱) حالتی که شرکت های مورد مطالعه تغییرات اندکی در وجه نقد حاصل از عملیات داشته اند، محتوای فزاینده اطلاعاتی نسبت به دو متغیر بعدی مشاهده شد؛ و (۲) حالتی که شرکت های مورد مطالعه تغییرات بزرگی در وجه نقد حاصل از عملیات داشته اند، محتوای فزاینده اطلاعاتی نسبت به دو متغیر مشاهده نشد. در ادامه تحقیقات انجام شده در این زمینه، نتایج تحقیق دیچو (۱۹۹۴) نشان داد که سود بر مبنای تعهدی نسبت به جریان های نقدی، یک مقیاس برتر برای سنجش عملکرد شرکت است.

همانطور که بیان شد، سود حسابداری شامل دو بخش نقدی و تعهدی است، که به طور مفصل بحث شد. حال نوبت به بررسی رابطه بین ارقام تعهدی و جریان‌های نقدی عملیاتی می‌رسد. در ظاهر به نظر می‌رسد که رابطه منفی بین ارقام تعهدی و جریان‌های نقدی عملیاتی برقرار است. فرض کنید شرکت «الف» در قبال فروش ۳ میلیون ریال کالا به شرکت «ب»، وجه نقدی معادل ۲ میلیون ریال دریافت می‌کند. یک میلیون ریال باقی مانده را تحت عنوان حساب‌های دریافتی ثبت می‌کند. این مثال بیانگر آن است که با افزایش جریان نقدی، انتظار می‌رود که از حجم ارقام تعهدی (حساب‌های دریافتی) کاسته شود، اما توجه به مفهوم زمان در بررسی این رابطه ضروری است. یعنی می‌توان گفت اختلاف بین ارقام تعهدی و جریان‌های نقدی عملیاتی موقتی بوده و با گذشت زمان از بین خواهد رفت و در بلندمدت اختلافی بین آنها وجود نخواهد داشت. اصولیان و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی رابطه ارقام تعهدی، سودآوری عملیاتی و سودآوری عملیاتی بر مبنای نقد با بازدهی سهام در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج تحقیق آنها نشان می‌داد که ارقام تعهدی با سودآوری نقدی همبستگی منفی (-۰/۳۶۷۰) دارد.

شاید بتوان گفت بهترین شاخص برای بررسی رابطه بین ارقام تعهدی و جریان‌های نقدی عملیاتی، کیفیت ارقام تعهدی باشد. کیفیت ارقام تعهدی را می‌توان نزدیکی سود حسابداری به وجه نقد تعریف کرد (فخاری و تقوی، ۱۳۸۸). بکارگیری حسابداری تعهدی، انجام برآورد و تخمین را در شناسایی و ثبت رویدادهای مالی اجتناب‌ناپذیر کرده است. در صورتی که این برآوردها با واقعیت فاصله داشته باشد، در دوره‌های بعدی ارقام تعهدی شناسایی شده باید اصلاح شوند. به عنوان مثال، اگر خالص دریافتی از یک طلب کمتر از برآورد اولیه باشد، ثبت بعدی هم وجه نقد وصول شده را نشان می‌دهد و هم خطای برآورد را نشان می‌دهد. این خطای برآورد و اصلاح بعدی ناشی از آن، سودمندی ارقام تعهدی را کاهش می‌دهد. بنابراین هر اندازه خطای برآورد بیشتر باشد، از کیفیت ارقام تعهدی سود کاسته می‌شود. با توجه به آنچه گفته شد، بطور طبیعی انتظار می‌رود که با افزایش حجم ارقام تعهدی، احتمال خطای برآورد نیز بیشتر و در نتیجه کیفیت ارقام تعهدی کاهش یابد.

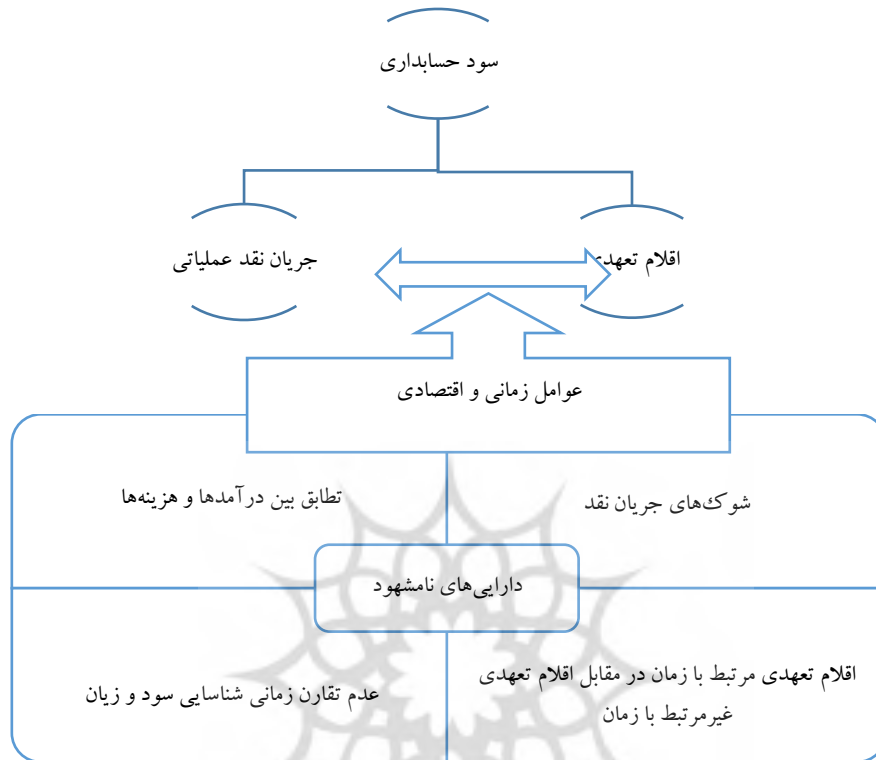
کیفیت ارقام تعهدی از جنبه‌های مختلف می‌تواند بر تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی تأثیر داشته باشد. همین عامل سبب انجام تحقیقاتی در زمینه کیفیت ارقام تعهدی شده است. در تحقیقاتی که ارتباط میان ارقام تعهدی و بازده سهام را بررسی کرده‌اند، این مطلب

تصریح شده است که شرکت‌های با کیفیت پایین ارقام تعهدی، هزینه سرمایه بیشتری دارند. به عنوان مثال فرانسس و همکاران (۲۰۰۵)، در پژوهشی با عنوان قیمت بازار کیفیت ارقام تعهدی، بیان کردند که کیفیت ضعیف ارقام تعهدی منجر به ابهام در اطلاعات شده و ریسک سرمایه‌گذاری را نیز افزایش می‌دهد. شرکت‌هایی که از ارقام تعهدی ضعیف‌تری برخوردارند، ضمن آنکه نسبت هزینه بهره به بدهی بالاتری دارند، نسبت بدهی پایین‌تری را نیز تجربه می‌کنند. همچنین آنها معتقد بودند که کیفیت ارقام تعهدی معیار تشخیص ابهام در مورد گردش وجه نقد آتی شرکت است. دیچو و دیچا (۲۰۰۲) در ادامه پژوهش‌های خود در زمینه کیفیت ارقام تعهدی و سود، به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های با کیفیت پایین ارقام تعهدی، تکرار زیان بیشتری را تجربه می‌کنند. گارسیا و مارتینز (۲۰۰۹) نیز با استفاده از نمونه‌ای متشکل از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس سهام اسپانیا در بازه زمانی ۱۹۹۵-۲۰۱۲، اثر کیفیت ارقام تعهدی را بر موجودی وجه نقد شرکت بررسی نموده و به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های با کیفیت ارقام تعهدی پایین‌تر در مقایسه با شرکت‌های با ارقام تعهدی بالاتر، سطوح بالاتری از موجودی وجه نقد را نگهداری می‌کنند.

عوامل موثر بر ارتباط بین ارقام تعهدی و جریان‌های نقدی عملیاتی

تمرکز محض بر ارقام تعهدی در مطالعات حسابداری ضمن آنکه منجر به مجهول ماندن رابطه بین اجزای نقدی و تعهدی سود می‌شود، خطاهای اندازه‌گیری ناشی از این اجزاء را نیز نشان نمی‌دهد (فرزادفر و مومن، ۲۰۱۷). همچنین اگر سرمایه‌گذاران بدون توجه به تناسب بین دو جزء نقدی و تعهدی سود، صرفاً بر سودهای حسابداری و یا جریان نقدی گزارش شده متمرکز شوند، قیمت مبادله سهام از ارزش ذاتی آن فاصله بیشتری می‌گیرد (دیگان، ۲۰۱۳). این عبارت حاکی از اهمیت ویژه رابطه بین ارقام تعهدی و جریان‌های نقدی عملیاتی است که باید به عنوان یک شاخص در ارزیابی‌های مختلف مورد توجه قرار گیرد. همان‌طور که می‌دانید یکی از دلایل اصلی گرایش به سمت مبنای تعهدی، فایق آمدن بر مشکل زمان‌بندی وجه نقد بود. انتظار می‌رود که عوامل زمانی نظیر ارقام تعهدی مرتبط با زمان، عدم تقارن زمانی شناسایی سود و... رابطه بین ارقام تعهدی و جریان‌های نقدی عملیاتی را تحت الشعاع قرار دهند. از سوی دیگر به دلیل اینکه هر دو بخش نقدی و تعهدی سود در بستری از فعالیت‌های اقتصادی بوجود می‌آیند، می‌توانند تحت تأثیر عوامل اقتصادی نیز قرار گیرند (شکل ۱). در ادامه به تشریح هر یک از عوامل زمانی

و اقتصادی که می‌توانند بر رابطه بین ارقام تعهدی و جریان‌های نقدی عملیاتی تأثیر بگذارند، خواهیم پرداخت.



شکل (۱): عوامل زمانی و اقتصادی موثر بر رابطه بین ارقام تعهدی و جریان‌های نقدی عملیاتی.

(۱) شوک‌های جریان نقد

برخی تحلیلگران و سرمایه‌گذاران اعتقاد دارند که وجه نقد معیاری عینی‌تر برای ارزیابی عملکرد واقعی اقتصادی واحد تجاری است و کمتر مورد دستکاری مدیریت قرار می‌گیرد. به همین دلیل در ارزیابی عملکرد شرکت و اتخاذ تصمیمات اقتصادی باید مورد توجه قرار گیرد، اما باید خاطر نشان شد که جریان‌های نقدی ممکن است در نتیجه هر دو رویدادهای مثبتی بر اقتصاد یا مرتبط با زمان نوسان پیدا کنند. شوک‌های جریان نقدی مثبتی بر اقتصاد، شوک‌های بنیادین در عملکرد شرکت است و در سودهای گزارش شده، مستقل از ارقام تعهدی متناظر

منعکس می‌شوند. در مقابل شوک‌های جریان نقدی مرتبط با زمان ریشه در نوسان‌پذیری موقت جریان‌های نقدی دارد، بنابراین همبستگی منفی با اقلام تعهدی دارد، زیرا همانطور که در بخش‌های قبلی به آن اشاره شد ویژگی اصلی اقلام تعهدی یکنواخت نمودن تغییرات موقت زمانی در جریان‌های نقدی عملیاتی است (دیچو، ۱۹۹۴). از این نقش اقلام تعهدی به عنوان نقش زمانی اقلام تعهدی (یا نقش یکنواخت‌کنندگی یا کاهش اختلال) تعبیر می‌شود.

دیچو و دیچا (۲۰۰۲) متذکر می‌شوند که توانایی اقلام تعهدی در ایجاد جریان نقدی با نوسان‌پذیری جریان نقد مرتبط است. افزایش در نوسان‌پذیری جریان نقد در طول دوره نمونه‌گیری می‌تواند منجر به قطع ارتباط پایدار ناشی از نقش زمانی اقلام تعهدی، بین اقلام تعهدی و جریان‌های نقدی شود. آنها برای بررسی رابطه بین اقلام تعهدی و جریان‌های نقدی عملیاتی دو رابطه زیر را مطرح کرده‌اند:

$$TACC_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 CFO_{i,t} + e_{i,t} \quad \text{معادله (۱)}$$

$$TACC_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 CFO_{i,t-1} + \beta_2 CFO_{i,t} + \beta_3 CFO_{i,t+1} + e_{i,t} \quad \text{معادله (۲)}$$

از لحاظ ریاضی می‌توان ضریب جریان نقد در معادله ۱ و R^2 در مدل معادله ۲ را به ترتیب به صورت $\frac{COV(ACC, CFO)}{VAR(CFO)}$ و $\frac{COV2(ACC, CFO)}{VAR(ACC) \times VAR(CFO)}$ نوشت. بنابراین نوسان‌پذیری جریان‌های نقدی ($VAR(CFO)$) مستقیماً بر اندازه‌گیری R^2 و ضریب جریان نقد تأثیر می‌گذارد. همان‌طور که بحث شد، نوسان‌پذیری جریان نقد، مولفه‌های مرتبط با زمان و اقتصاد دارد.

به طور خلاصه می‌توان گفت در صورتی که جریان نقد عملیاتی و سود، نوسان زیادی داشته باشند، حاکی از افزایش شوک‌های اقتصادی بر عملیات شرکت است. این حالت می‌تواند منجر به تضعیف رابطه بین اقلام تعهدی و جریان‌های نقدی عملیاتی در دوره‌های بعد گردد.

۲) اقلام تعهدی مرتبط با زمان^۱ در مقابل اقلام تعهدی غیرمرتبط با زمان^۲

اقلام تعهدی هنگامی مطرح است که مبنای حسابداری تعهدی باشد. به عبارت دیگر زمانی که مبنای حسابداری تعهدی است، سود حسابداری شامل دو بخش نقدی و تعهدی است. در این شرایط اقلام تعهدی شامل آن دسته از درآمدها و هزینه‌هایی است که در صورت سود و زیان ارائه می‌شوند، اما در صورت جریان وجوه نقد منعکس نمی‌شوند.

در یک نگاه می‌توان ارقام تعهدی را به دو دسته ارقام تعهدی مرتبط با زمان و ارقام تعهدی غیرمرتبط با زمان، تقسیم نمود. ارقام تعهدی مرتبط با زمان، تغییرات موقتی در جریان نقد را خنثی می‌کنند، در مقابل ارقام تعهدی غیرمرتبط با زمان، ریشه در محافظه کاری، حسابداری ارزش منصفانه، خطای برآورد ارقام تعهدی و سایر رویدادها و برآوردهایی دارد که مستقیماً با جریان‌های نقدی متناظر یا دوره‌های زمانی نزدیک مرتبط نیستند. به عنوان مثال، زیان کاهش ارزش دارایی‌ها، که به واسطه محافظه کاری در صورت‌های مالی شناسایی می‌شود. همچنین نمونه دیگر تجدید ارائه در دارایی‌ها در حسابداری ارزش منصفانه است. هر دو این مثال‌ها جریان‌های نقدی متناظری را ایجاد نمی‌کنند.

در حالی که ارقام تعهدی مرتبط با زمان با جریان وجه نقد، به طور منفی همبسته‌اند، ارقام تعهدی غیرمرتبط با زمان، این چنین نیستند. با افزایش تکرار یا حجم ارقام تعهدی غیرمرتبط با زمان، انتظار می‌رود که همبستگی منفی بین ارقام تعهدی و جریان‌های نقدی کاهش یابد.

می‌توان از ارقام غیرتکراری، غیرعملیاتی و فراوانی گزارش زیان به عنوان جایگزین ارقام تعهدی غیرمرتبط با زمان، استفاده کرد. به دلیل اینکه ارقام تعهدی غیرتکراری و غیرعملیاتی به عنوان ارقام تعهدی ناپایدار (ارقامی که انتظار تکرار آنها نمی‌رود) شناخته می‌شوند، در کاهش نوسانات جریان نقد، توسط مبنای تعهدی نمی‌تواند نقش داشته باشد. بنابراین شناسایی این ارقام می‌تواند در کاهش رابطه منفی بین ارقام تعهدی و جریان‌های نقدی نقش داشته باشد. همچنین به دلیل آنکه بسیاری از زیان‌ها ارتباط مستقیمی با جریان نقد عملیاتی ندارند، می‌توانند جایگزین مناسبی برای ارقام تعهدی غیرمرتبط با زمان باشند. از آنجا که ارقام غیرتکراری و غیرعملیاتی منفی، ممکن است منجر به انتقال قلمرو سود شرکت به قلمرو زیان شود، فراوانی گزارش زیان، ممکن است با دو جایگزین دیگر اشتراک داشته باشد.

با توجه به آنچه گفته شد، انتظار می‌رود افزایش موقتی در حجم شناسایی ارقام غیرتکراری و غیرعملیاتی در کاهش رابطه منفی بین ارقام تعهدی و جریان‌های نقدی عملیاتی مشارکت داشته باشد، زیرا این ارقام، اغلب همراه با جریان نقد مثبت نیستند و این امر منجر به افزایش خطای برآورد ارقام تعهدی می‌شود.

بوشمن و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهش خود از ارقام غیرتکراری، غیرعملیاتی و شرکت‌هایی با گزارش زیان به عنوان جانشین ارقام تعهدی غیرمرتبط با زمان، استفاده کردند. نتیجه حاکی از

آن بود که شناسایی اقلام تعهدی غیرمرتبط با زمان تأثیر قابل توجهی در کاهش نقش زمانی مبنای تعهدی دارد. به عبارت دیگر با افزایش حجم شناسایی اقلام غیرتکراری، غیرعملیاتی و فراوانی شرکت‌هایی با گزارش زیان رابطه منفی بین اقلام تعهدی و جریان‌های نقدی عملیاتی کاهش می‌یابد.

۳) تطابق بین درآمدها و هزینه‌ها

اصل تطابق هزینه با درآمد و یا به اختصار اصل تطابق یکی از اصول حسابداری تعهدی است که بیان می‌کند، هزینه‌ها باید بدون در نظر گرفتن زمان پرداخت در دوره‌ای که به وقوع پیوسته، ثبت شود، برخلاف حسابداری نقدی که در آن هزینه در زمان پرداخت آن ثبت می‌شود. منطق این اصل تطابق هزینه‌ها با درآمدهایی است که برای کسب آن درآمدها، تحمل شده‌اند. واحدهای تجاری برای تحصیل درآمد متحمل هزینه می‌شوند و موفقیت آنها از طریق مازاد درآمدها بر هزینه‌ها در قالب سود اندازه‌گیری می‌شود. برای شناخت هزینه‌ها، حسابداران از رویکرد "بگذار هزینه‌ها از درآمدها تبعیت کند" پیروی می‌کنند. بنابراین، شناسایی هزینه به شناخت درآمد بستگی دارد، البته زمانی که چنین کاری عملی و معقول باشد.

چنانچه نتوان رابطه‌ای بین هزینه انجام شده و درآمد واحد تجاری یافت، چنین هزینه‌هایی در همان دوره‌ای که مصرف شده‌اند، ثبت می‌شود. به این ترتیب پیش‌پرداخت هزینه (مانند پیش‌پرداخت اجاره) تحت عنوان دارایی ثبت می‌شود و سپس در زمان تحقق هزینه (سپری شدن زمان اجاره)، به حساب هزینه منظور می‌شود. اتخاذ چنین رویه‌ای باعث می‌شود تا هزینه‌های یک دوره از درآمدهای همان دوره کسر شده و بنابراین محاسبه سود یک دوره مالی به صورت منطقی‌تری انجام شود (کاظمی و طرینی، ۱۳۹۰).

به طور خلاصه، می‌توان گفت که باید مخارج را تجزیه و تحلیل نمود تا مشخص شود که بین این اقلام و درآمد، رابطه‌ای وجود دارد یا خیر؟ هرگاه این چنین رابطه‌ای وجود داشته باشد، این مخارج هزینه تلقی می‌شود و در برابر درآمدهای همان دوره، قرار می‌گیرد (نظیر هزینه فروش کالا). اگر بین این اقلام و درآمد رابطه‌ای وجود نداشته باشد، این مخارج بر مبنای معقول و منطقی تخصیص می‌یابند (نظیر هزینه استهلاک و هزینه تأمین مالی). هنگامی که چنین روشی نامطلوب به نظر برسد، این مخارج بی‌درنگ به زیان دوره منظور می‌شوند (نظیر هزینه تبلیغات).

بنابراین، تطابق ضعیف عبارت است از ضعف تطبیق هزینه‌ها با درآمدهایی که از آنها حاصل شده است. تطابق ضعیف، همبستگی بین درآمد و هزینه را کاهش می‌دهد و می‌تواند ناشی از دلایل مختلفی باشد. عوامل تجاری غیرقابل اجتناب نظیر هزینه‌های ثابت، فقدان قابلیت ردیابی هزینه‌ها، صلاح‌دید مدیریت و استانداردهای حسابداری از جمله این عوامل هستند. با کمی دقت می‌توان گفت که تطابق ضعیف بین درآمدها و هزینه‌ها، با ارقام تعهدی غیرمرتبط با زمان که در مباحث قبلی بحث شد، در ارتباط است.

تطابق درآمدها و هزینه‌ها، کیفیت سود را از طریق افزایش پایداری سود و قدرت پیش‌بینی جریان نقد افزایش می‌دهد (هیون و چو، ۲۰۱۸). دیچو و تانگ (۲۰۰۸) با بررسی سود حسابداری ۱۰۰۰ شرکت بزرگ آمریکایی در ۴۰ سال اخیر به این نتیجه رسیدند که تطابق ضعیف (کاهش تطابق بین درآمدها و هزینه‌ها)، باعث کاهش همبستگی بین درآمدها و هزینه‌های متناظر شده و در نتیجه کاهش پایداری سود و افزایش نوسان سود را به دنبال دارد. دیچو و تانگ، تغییر رابطه درآمد و هزینه را ناشی از عوامل اقتصادی و استانداردهای حسابداری می‌دانند و معتقد هستند که نقش استانداردهای حسابداری، پررنگ‌تر از عوامل اقتصادی است.

محاسبه سود می‌تواند براساس یکی از دو رویکرد درآمد و هزینه یا رویکرد دارایی‌ها و بدهی‌ها انجام شود. بر اساس دیدگاه مبتنی بر درآمد و هزینه کانون اصلی تأیید صورت سود و زیان است و شناسایی و اندازه‌گیری دارایی‌ها و بدهی‌ها در درجه دوم اهمیت قرار دارد. در مقابل در رویکرد مبتنی بر ترازنامه تأیید بر شناسایی دارایی‌ها و بدهی‌ها است.

ابتدا رویکرد حسابداری محاسبه سود، از طریق محاسبه هزینه‌ها و تطبیق آنها با درآمدها بوده است. به عبارت دیگر تأیید بر شناسایی هزینه‌ها در دوره‌ای بود که درآمدی را که برای آن تحمل شده‌اند، در آن دوره شناسایی می‌شود، اما تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که حرکت استانداردهای مصوب هیئت استانداردهای حسابداری مالی^۷ به سمت رویکرد ترازنامه‌ای بوده است که انتظار می‌رود بر اساس منطق این رویکرد، تطابق بین درآمدها و هزینه‌ها کاهش یابد. به عبارت دیگر انتظار می‌رود که کاهش تطابق بین درآمدها و هزینه‌ها، منجر به شناسایی اقلامی در صورت سود و زیان شود که جریان نقد متناظر و حتی دوره نزدیک به همراه ندارند. بنابراین، باعث کاهش همبستگی منفی بین ارقام تعهدی و جریان‌های نقدی عملیاتی شود.

۴) دارایی‌های نامشهود

دارایی‌های واحدهای تجاری را می‌توان در دو گروه دارایی‌های مشهود و دارایی‌های نامشهود طبقه‌بندی کرد. در عصر صنعتی و به اقتضای محیط تجاری آن زمان، تأیید بر نگهداری حجم وسیعی از ماشین‌آلات و تجهیزاتی می‌شد که برای تولید کالا و حتی ارائه خدمات ضروری بودند، اما با گذر از عصر صنعتی به عصر تکنولوژی اطلاعات، اهمیت دارایی‌های نامشهود در سودآوری و ارزش شرکت‌ها پررنگ‌تر شده است؛ حتی در حال حاضر، شرکت‌هایی ظهور کردند که حجم دارایی‌های نامشهود آنها از میزان دارایی‌های مشهود آنها پیشی گرفته است. به طور مثال دارایی‌های ثابت شرکت ماکروسافت در سال ۲۰۰۱ در حدود ۵۵ میلیارد دلار بود، در حالی که در همان سال ارزش سهام این شرکت در بورس بالغ بر ۳۰۰ میلیارد دلار می‌شد. به عبارت دیگر ارزش شرکتی که می‌توانست همه دارایی‌های مشهود خود را به مبلغ ۵۵ میلیارد دلار بفروشد، از نظر سرمایه‌گذاران ۳۰۰ میلیارد دلار (بیشتر از ۵ برابر ارزش دارایی‌های مشهود) بوده است. همین امر محققان دانشگاهی را بر آن داشت تا تحقیقاتی را در زمینه توصیف و تبیین اثر دارایی‌های نامشهود انجام دهند.

سیريوستاوا (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان "چرایی تغییر کیفیت سود در طول زمان"، به بررسی کیفیت سود پرداخت. او به این نتیجه رسید که حجم دارایی‌های نامشهود در شرکت‌های آمریکایی در طول دوره تحقیق افزایش یافته است. همچنین نتایج پژوهش حاکی از آن بود که افزایش واحدهای تجاری با دارایی‌های نامشهود منجر به کاهش کیفیت سود می‌شود، زیرا درآمد و جریان نقد در این گونه شرکت‌ها از نوسان بیشتری برخوردار است. همچنین، او استدلال نمود که عدم اطمینان درباره منافع آتی دارایی‌های نامشهود بیشتر است.

انتظار می‌رود که افزایش در حجم دارایی‌های نامشهود واحدهای تجاری بر رابطه بین اقلام تعهدی و جریان‌های نقدی عملیاتی تأثیر داشته باشد. از جمله مهمترین عواملی که بر دارایی‌های نامشهود واحدهای تجاری تأثیر می‌گذارند هزینه ادرا، عمومی و فروش مثل هزینه تبلیغات است. به عبارت دیگر، رشد سرمایه‌گذاری در دارایی‌هایی نظیر حق اختراع، علائم تجاری، سرمایه انسانی و... به دلیل این که بر مبنای جریان نقد خروجی هزینه می‌شوند، منجر به ایجاد اقلام تعهدی متناظر نخواهند شد. پس انتظار می‌رود افزایش این قبیل دارایی‌ها باعث کاهش ارتباط بین اقلام تعهدی و جریان‌های نقدی عملیاتی شود.

۵) عدم تقارن زمانی شناسایی سود و زیان

در مطالعه‌ای که توسط بال و شیواکومار (۲۰۰۶) صورت گرفت، برای اولین بار به نقش ارقام تعهدی در عدم تقارن زمانی شناسایی سود و زیان اشاره شد. عدم تقارن زمانی شناسایی سود و زیان، به معنی درجه تأییدپذیری بیشتری برای شناسایی اخبار خوب به عنوان سود نسبت به اخبار بد به عنوان زیان، است. به عبارت دیگر شرکت‌ها به محض دریافت اخبار بد، ارزش دفتری خالص دارای‌های خود را کاهش می‌دهند، درحالی که در صورت دریافت اخبار خوب، ارزش دفتری دارای‌های خود را افزایش نخواهند داد. به عنوان مثال می‌توان به اعمال قاعده اقل بهای تمام شده و قیمت بازار اشاره کرد که زیان‌های تحقق نیافته ناشی از کاهش ارزش بازار موجودی‌ها را شناسایی می‌کند، اما سودهای تحقق نیافته را شناسایی نمی‌کند. حسابداری سود و زیان غیرعملیاتی دارای‌های ثابت نیز نامتقارن است که به شکل کاهش ارزش دارای‌ها، در اکثر کشورها (استاندارد شماره ۱۱: دارای‌های ثابت مشهود، استاندارد شماره ۱۷: دارای‌های نامشهود، استاندارد شماره ۳۲: کاهش ارزش و... در ایران) ارائه شده است. به عبارت دیگر، عدم تقارن زمانی شناسایی سود و زیان (محافظه‌کاری)، به این معنی است که در هنگام وجود جریان نقد منفی، ارقام تعهدی نیز به دلیل شناسایی سریعتر زیان‌های تحقق نیافته، با احتمال بیشتری منفی هستند، درحالی که این رابطه در هنگام وجود جریان‌های نقدی مثبت، وجود ندارد. بنابراین، نقش عدم تقارن زمانی شناسایی ارقام تعهدی، باعث همبستگی مثبت بین ارقام تعهدی و جریان‌های نقدی عملیاتی متناظر می‌شود که موجب خنثی شدن، بخشی از همبستگی منفی بین ارقام تعهدی و جریان‌های نقدی عملیاتی ناشی از نقش زمانی حسابداری ارقام تعهدی می‌شود.

نتیجه‌گیری

با پیچیده‌تر شدن محیط اقتصادی توجه به جنبه‌های مختلف عملیات شرکت برای کسب موفقیت در تصمیمات اقتصادی، امری ضروری است. به عبارت دیگر، اتخاذ تصمیمات اقتصادی بهینه، مستلزم توجه به ابعاد مختلفی از عملیات واحد تجاری است. همواره این چالش برای سرمایه‌گذاران و اعتبار دهندگان مطرح بوده است که کدام یک از معیارهای سود حسابداری و جریان نقد عملیاتی تصویر واضح‌تری از عملیات شرکت ارائه می‌دهد و می‌تواند برای ارزیابی عملکرد واحد تجاری مناسب باشد. طرفداران هر یک از دو معیار فوق استدلال‌های خاص خود

را دارند، اما آنچه در جواب باید گفت این است که اطلاعات خروجی از سیستم حسابداری مکمل یکدیگر بوده و باید توأمان استفاده شوند. به عنوان مثال اگر سرمایه گذاران صرفاً بر اساس سود واحد تجاری و یا جریان نقد عملیاتی آن، اقدام به خرید و فروش سهام واحدهای تجاری کنند، مسلماً قیمت سهام از ارزش واقعی آن فاصله می‌گیرد. با این وجود در نظر گرفتن رابطه بین اقلام تعهدی و جریان‌های نقدی عملیات و عوامل بالقوه‌ای که می‌تواند این رابطه را تحت تأثیر قرار دهد، ضروری به نظر می‌رسد. در این تحقیق پنج عامل بالقوه‌ای که می‌توانند بر رابطه بین اقلام تعهدی و جریان‌های نقدی عملیاتی تأثیر داشته باشند، تشریح شدند. به طور کلی، می‌توان این عوامل را در دو گروه عوامل زمانی و عوامل اقتصادی طبقه‌بندی نمود. عوامل زمانی شامل شوک‌های جریان نقد، اقلام تعهدی مرتبط با زمان و عدم تقارن زمانی شناسایی سود و زیان است. در مقابل عوامل اقتصادی شامل اقلام تعهدی غیرمرتبط با زمان، تطابق بین درآمدها و هزینه‌ها و حجم دارایی‌های نامشهود است. می‌توان گفتا از بین عوامل مذکور، چهار عامل شوک‌های جریان نقد، اقلام تعهدی غیرمرتبط با زمان، تطابق ضعیف بین درآمدها و هزینه‌ها و حجم دارایی‌های نامشهود بر رابطه بین اقلام تعهدی و جریان‌های نقدی عملیاتی، تأثیر دارند.

پی‌نوشت

- | | | | |
|---|---|---|-----------------------------|
| ۱ | Timing-Related Accruals | ۲ | Nnon-timing-related accrual |
| ۳ | Discretionary Accruals | ۴ | Non-Discretionary Accruals |
| ۵ | Earning management | ۶ | Income smoothing |
| ۷ | Financial Accounting Standards Board (FASB) | | |

منابع

- Ali, A. (1994). The incremental information content of earnings, working capital from operations, and cash flows. *Journal of Accounting Research*, 32 (1) , 61-74.
- Ball, R. & Shivakumar, L. (2006). The role of accruals in asymmetrically timely gain and loss recognition. *Journal of accounting research*, 44 (2) , 207-242.
- Bernard, V. L. (1989). The nature and amount of information reflected in cash flows and accruals. *The Accounting Review*, 4, 625-651.
- Bowen, R. M. , Burgstahler, D. , & Daley, L. A. (1987). The incremental information content of accrual versus cash flows. *The Accounting Review*, 62 (4) , 723.

- Bushman, R. M. , Lerman, A. , & Zhang, X. F. (2016). The changing landscape of accrual accounting. *Journal of Accounting Research*, 54 (1) , 41-78.
- Dechow, P. M. (1994). Accounting earnings and cash flows as measures of firm performance: The role of accounting accruals. *Journal of accounting and economics*, 18 (1) , 3-42.
- Dechow, P. M. , & Dichev, I. D. (2002). The quality of accruals and earnings: The role of accrual estimation errors. *The accounting review*, 77 (1) , 35-59.
- Deegan, C. M. (2013). Financial accounting theory/Craig Deegan. *In Accounting Forum*, 20 (5) , 63-73.
- Dichev, I. D. , & Tang, V. W. (2008). Matching and the changing properties of accounting earnings over the last 40 years. *The Accounting Review*, 83 (6) , 1425-1460.
- Fakhari, H. , & Taghavi, S. R. (2010). Accruals quality and corporate cash holdings. *Journal of Accounting and Auditing Review*, 16 (4) , 69-84, (In Persian).
- Farshadfar, S. & Monem, R. M. (2019). Further evidence of the relationship between accruals and future cash flows. *Accounting & Finance*, 59 (1) , 143-176.
- Francis, J. LaFond, R. Olsson, P. & Schipper, K. (2005). The market pricing of accruals quality. *Journal of accounting and economics*, 39 (2) , 295-327.
- García Teruel, P. J. Martínez Solano, P. & Sánchez Ballesta, J. P. (2009). Accruals quality and corporate cash holdings. *Accounting & Finance*, 49 (1) , 95-115.
- Hyun, J. H. & Cho, H. (2018). Deleveraging and decline in revenue-expense matching over time. *Journal of Business Finance & Accounting*, 45 (9-10) , 1031-1050.
- Kazemi, H. & Toreini, M. (2010). Relation between Matching of Revenues and Expenses with Earnings Volatility and Earnings Persistence. *Emprirical Studies Fianantial Accounting Quarterly*. 8, 170-155 (In Persian).
- Kordestani , G. R. , & Roud, N. H. (2006). Investigating the value relevance of cash and accruals components of accounting earnings. *Iranian Accounting and Auditing Review*, 13, 45-68.
- Osoolian, M. and Sadeghi, J. and Khalil, M. (2017). Accruals, Cash Flow, and Operating Profitability in the Cross Section of Stock Returns; Evidence from Tehran Stock Exchange (TSE). *Iranian Accounting and Auditing Review*, 4, 463-482 (In Persian).
- Pourfakhrian, P. and googerdchian, A. and kakaey, M. (2018). Forecasting Ability of Operating Cash, Net Income and Income Components. *Journal of accounting research*, 28, 87-109 (In Persian).
- Saghafi, A. Sarraf, F. (2013). A Model for Cash Flow forecasting in Iranian Companies. *Iranian Accounting and Auditing Review*, 21, 1-26 (In Persian).
- Srivastava, A. (2014). Why have measures of earnings quality changed over time?. *Journal of Accounting and Economics*, 57 (2-3) , 196-217 .